

جلوه‌هایی از پابندی به اصول و ارزش‌ها در مدرسه حسینی

دکتر علی فارسی مدان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰

چکیده

یکی از ویژگی‌های مهم و درس‌آموز مکتب عاشورا، پابندی به اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی است. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این سؤال اساسی پاسخ دهد که مصادیق و جلوه‌های پابندی به اصول و ارزش‌ها در مدرسه حسینی چیست؟ با مرور و مطالعه نهضت حسینی روشن می‌شود که کربلا، جلوه‌گر پابندی به اصول و ارزش‌های همه‌جانبه‌ای است که معتقد است در هر حال باید به ارزش‌های دینی ملتزم بود. در این پژوهش برخی از مصادیق پابندی به ارزش‌ها مانند اقامه نماز، حجاب، امر به معروف و نهی از منکر، دینداری و حمایت از امامت، رعایت حق الناس، کسب روزی حلال و پرهیز از حرام مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های اخلاقی، اخلاق حسینی، امام حسین علیه السلام، مدرسه حسینی.

۱. استادیار گروه حقوق و فقه مقارن دانشگاه ادیان و مذاهب، ایران، قم. alifarsimadan98@gmail.com

امام حسین علیه السلام آغازگر یک نهضت جهانی شد که ابعاد آن شئون مختلف اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی را در برمی گیرد. آثار و پیامدهای آن تا سال‌های سال همواره در جامعه اسلامی خواهد درخشید. یکی از موارد درس آموز و عبرت آمیز مدرسه حسینی پایبندی سیدالشهداء به ارزش‌های دینی و اسلامی است که حضرت و یاران باوفا و اسراء کربلا بدان ملتزم و وفادار ماندند و به دیگران آموختند که در هر حال و در هر شرایطی باید به درس‌های مکتب حسینی پایبند بود زیرا رمز موفقیت مسلمانان و آزادی خواهان جهان، التزام و عمل‌گرایی به ارزش‌ها و اصول مدنظر امام حسین علیه السلام است. در قرآن کریم از پایبندی به اصول و ارزش‌ها به «استقامت» یاد شده است (هود/۱۱۲).

حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا مملو از درس‌ها و عبرت‌هایی است که جنبه‌های مختلف اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در برمی گیرد. این پژوهش در کنار سؤال اصلی به سؤالات ذیل نیز پاسخ داده است: ۱. آیا غارت لباس زنان به معنای بی‌حجاب شدن زنان است؟ ۲. چرا حضرت زینب علیها السلام در شب یازدهم محرم نماز شب را نشسته خواند؟ ۳. چرا امام حسین علیه السلام هدف و انگیزه خود را امر به معروف و نهی از منکر اعلام کرد؟ ۴. مال حرام چه نقشی در به شهادت رساندن مسلم بن عقیل و امام حسین علیه السلام داشت؟ ۵. دینداری و حمایت از امامت چه جایگاهی در اصول و ارزش‌های دینی دارد؟ ۶. نماز امام حسین علیه السلام چه آثاری دارد؟

درباره پیشینه تحقیق باید اشاره کرد فقط یک مقاله با عنوان «پایبندی به اصول و ارزش‌ها و پاسخگویی به مقتضیات زمان در آثار شهید مطهری» به قلم صدیق قاسمی در همایش وحدت اسلامی سال ۱۳۸۱ نگارش شده است. اما مقاله‌ای تحت عنوان «جلوه‌هایی از پایبندی به اصول و ارزش‌ها در مدرسه حسینی» مورد پژوهش و تحقیق قرار نگرفته است و این نوشتار اولین تحقیقی است که به این موضوع می‌پردازد.



جلوه‌هایی از پایبندی به اصول و ارزش‌ها

۱. اقامه نماز

یکی از جلوه‌های زیبای پایبندی به اصول و ارزش‌ها، اقامه نماز در ظهر عاشورا است. نماز و تبلیغ آن، نقش مؤثر و پررنگی در نهضت حسینی دارد. حرکت امام حسین علیه السلام از آغاز تا لحظه شهادت بر مبنای احیای دین و اجرای احکام شریعت اسلامی پایه‌گذاری شد. امام حسین علیه السلام در روز نهم محرم هنگامی که متوجه شد دشمن قصد حمله دارد به حضرت عباس علیه السلام فرمود: «ارجع إليهم فان استطعت أن تؤخرهم إلى غدوه و تدفعهم عتّا العشيّة، لعلنا نصلى لربنا الليلة و ندعوه و نستغفره، فهو يعلم أنى كنت احبّ الصلاة له و تلاوه كتابه و كثره الدعاء و الاستغفار؛ نزدشان برگرد و اگر می‌توانی کارشان را تا صبح فردا به عقب بینداز و آنها را امشب از ما دور کن، تا که شاید امشب به درگاه پروردگاران نماز بگذاریم و او را بخوانیم و از او طلب مغفرت بکنیم! خدا می‌داند که من نماز به درگاهش و تلاوت کتابش و دعا و استغفار زیاد را دوست می‌دارم» (ابو مخنف، ۱۴۱۷: ۱۹۵).

نماز ظهر عاشورا

اوج پایبندی به نماز در ظهر عاشورا در میان جنگ نابرابر تبلور یافت. ابتدا ابو‌ثمامه به امام علیه السلام فرمود: دوست دارم زمانی که پروردگارم را ملاقات می‌کنم این نمازی را که وقتش نزدیک شده خوانده باشم. امام حسین علیه السلام سرش را بلند کرد و فرمود: نماز را یاد کردی، خدا شما را از نمازگزاران و یاد کنندگان خویش قرار بدهد! آری، الان اوّل وقت نماز است. آنگاه فرمود: از آنها بخواهید دست نگه دارند تا ما نماز بخوانیم (ابو مخنف، ۱۴۱۷: ۲۲۹).

دشمن که تحمل اقامه نماز توسط امام علیه السلام را نداشت، مانع شد. اما امام علیه السلام به دنبال اجرای حکم و فریضه الهی بود تا جایی که امام علیه السلام بر سر عمر بن سعد فریاد زد و فرمود: «آیا احکام و دستورات اسلامی را فراموش کرده‌ای؟ چرا در این هنگام دست از جنگ نمی‌کشی تا نماز به پا داریم و شما نیز نماز بخوانید و آنگاه به نبرد ادامه دهیم؟ ابن سعد پاسخی نداد و امام علیه السلام ندا داد: شیطان بر او چیره شده است!» (تاریخ امام حسین علیه السلام، ۶).

۱۳۷۸: ۳/۵۹۸).

سعید بن عبدالله حنفی، یکی از شهدای کربلا، پیش روی امام علیه السلام ایستاد تا ایشان با اصحاب نماز اقامه کند. هر تیر که به سوی امام علیه السلام می آمد، به جان می خرید و همواره خود را سپر جان ایشان می کرد. بعد از اتمام نماز به امام علیه السلام فرمود: آیا رسم وفا و وفاداری را بجا آورده ام؟ امام حسین علیه السلام فرمود: آری، نیکو فداکاری کردی. تو پیش از من به بهشت پرطراوت و زیبا می رسی، پس سلام مرا به پیامبر خدا برسان و به آن حضرت بگو که من نیز به زودی خواهم آمد و آن گاه جان را در بستر شهادت، به جان آفرین تسلیم کرد (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۰۸).

این نماز تاریخی و بی نظیر، روح نماز را زنده کرد و مفهومش را برای راهیان راه حق آشکار ساخت و معنی واقعی عبودیت و پاکبازی در راه معبود را نشان داد، و قلم سرخ بر معبودهای خیالی و بت های شیطانی دنیاپرستان و بندگان زر و زور کشید، و اگر امروز از مأذنه های بلند شهرها صدای تکبیر و اذان بلند است به برکت آن نماز و اذان است و چه زیباست که در این سال ها، دسته جات عزاداری به هنگام ظهر عاشورا در هر کوی و برزن و هر مکانی که هستند، توقف می کنند و نماز بجا می آورند (مکارم، ۱۳۸۴: ۴۴۴).

نماز رمز پیروزی نهضت کربلا و غلبه خون بر شمشیر است چنانکه در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود: پس از شهادت امام حسین علیه السلام وقتی که ابراهیم بن طلحه بن عبیدالله، خطاب به امام سجاد علیه السلام گفت: ای علی بن الحسین! چه کسی در این مبارزه پیروز شد؟ امام علیه السلام فرمود: «اِذَا ارْدَتْ أَنْ تَعْلَمَ مَنْ غَلَبَ وَ دَخَلَ وَ قُتِ الصَّلَاةُ فَادِّنْ ثُمَّ اقِمْ؛ اگر می خواهی بدانی (بین یزید یا امام حسین علیه السلام) چه کسی پیروز شده است، هنگامی که وقت نماز فرا رسید، اذان و اقامه بگو (آن گاه ببین چه کسانی ماندند و چه کسانی رفتند)» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۷۷). یعنی آنکه هدف حکومت یزید محو نام رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، ولی امام حسین علیه السلام با شهادتش از این کار جلوگیری کرد. به هنگام اذان و اقامه همچنان نام محمد صلی الله علیه و آله که نشانه بقای مکتب اوست برده می شود و هر قدر زمان می گذرد این حقیقت آشکارتر می شود (مکارم، ۱۳۸۴: ۲۳۷).

حضرت زینب علیها السلام مصداق پایبندی به نماز

حضرت زینب علیها السلام در اوج مصیبت‌ها و مشکلات، نمونه کامل پایبندی به نماز است. امام سجاده علیه السلام درباره عمه‌اش فرمود: «إِنَّ عَمَّتِي زَيْنَبُ كَانَتْ تُوَدِّي صَلَوَاتَهَا مِنْ قِيَامِ، الْفَرَائِضِ وَالنَّوَافِلِ عِنْدَ سَيْرِ الْقَوْمِ بِنَا مِنَ الْكُوفَةِ إِلَى الشَّامِ، وَفِي بَعْضِ الْمَنَازِلِ كَانَتْ تَصَلِّي مِنْ جُلُوسٍ. فَسَأَلْتُهَا عَنْ سَبَبِ ذَلِكَ؟ فَقَالَتْ: أَصَلِّي مِنْ جُلُوسٍ لِشِدَّةِ الْجُوعِ وَالضَّعْفِ مِنْذُ ثَلَاثِ لَيَالٍ، لِأَنَّهَا كَانَتْ تَقَسِّمُ مَا يَصِيبُهَا مِنَ الطَّعَامِ عَلَى الْأَطْفَالِ، لِأَنَّ الْقَوْمَ كَانُوا يَدْفَعُونَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مَتْنًا رَغِيفًا وَاحِدًا مِنَ الْخُبْزِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ؛ هُنْكَامِي كَمَا مَا رَأَى كُوفَةَ بِسُورِي شَامٍ حَرَكْتُ مِي دَادَنْدِ عَمَّهُامِ زَيْنَبِ مَرْتَبِ نَمَازَهَائِي وَاجِبِ وَ مُسْتَحَبِّ خُوِيْشِ رَا اِنْجَامِ مِي دَادِ وَ دَرِ بَعْضِي اَزِ مَنَازِلِ نَمَازِشِ رَا نَشِسْتَه مِي خَوَانْدِ، وَ قَتِي سَبَبِ رَا پَرَسِيدَم؟ كُفْت: بِه خَاطِرِ كَرَسَنَكِي وَ ضَعْف؛ زِيْرَا سَه شَبَانَه رُوْزِ غِذَا نَخُوْرَدَه بُوْد وَ سَهْمِ غِذَائِشِ رَا دَرِ مِيَانِ كُوْدَكَانِ تَقْسِيْمِ كَرْدَه بُوْد» (بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۱۱، قسم ۹۵۴/۲).

در روایت دیگری امام سجاده علیه السلام فرمود: عمه‌ام زینب علیها السلام را در شب یازدهم محرم دیدم که نماز شب را نشسته می‌خواند و به عبادت و تهجد مشغول بود (بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۱۱، قسم ۹۵۳/۲). این روایت را فاطمه بنت‌الحسین علیها السلام نیز چنین نقل کرده است: «أَمَّا عَمَّتِي زَيْنَبُ فَإِنَّهَا لَمْ تَزَلْ قَائِمَةً فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ (أَيِ الْعَاشِرَةِ مِنَ الْمُحَرَّمِ) فِي مُحْرَابِهَا تَسْتَغِيثُ إِلَى رَبِّهَا، فَمَا هَدَأَتْ لَنَا عَيْنَ، وَ لَا سَكَنَتْ لَنَا رُتَّةَ (رَحْمَانِي، ۱۳۷۸: ۶۴۱)؛ عمه‌ام زینب در شب یازدهم محرم در جایگاه عبادت خود ایستاده بود و به درگاه خداوند استغاثه می‌کرد. در آن شب چشم هیچ‌یک از ما به خواب نرفت صدای ناله ما قطع نشد».

امام حسین علیه السلام که شناخت خوب و کافی از پایبندی خواهرش زینب علیها السلام به اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی داشت در شب عاشورا به خواهرش فرمود: «يا اختاه لا تنسينني في نافلة الليل؛ خواهر جان! مرا در نماز شب فراموش نکن» (شبر، ۱۴۰۹: ۲۴۲/۱). اهتمام به نماز، نماز شب و عبادت در سختی و گرفتاری توسط حضرت زینب علیها السلام می‌تواند بیانگر الگوی مناسب برای همگان به ویژه زنان مسلمان باشد.

۲. حجاب

یکی دیگر از جلوه‌های پایبندی به اصول و ارزش‌ها در مدرسه حسینی، التزام به

حجاب میان اسرای کاروان حسینی بود. یکی از مصیبت‌های بزرگ عصر عاشورا غارت خیمه‌ها بود. لشکر عمر بن سعد حتی به اموال امام حسین علیه السلام رحم نکردند. طبری (۱۳۸۷: ۴۵۳/۵) نقل می‌کند: هر چه به تن حسین علیه السلام بود، درآوردند. برخی لوازم دیگر امام علیه السلام مانند نعلین و شمشیر را غارت کردند. سپس به سمت خيام هجوم بردند و لباس‌ها و شترها را غارت کردند. جسارت را به حد اعلای رساندند و به زنان و اهل حرم امام حسین علیه السلام بی‌احترامی کردند. ابو مخنف (۱۴۱۷: ۲۵۶) در توصیف این جسارت می‌گوید: «و مال الناس علی نساء الحسین [علیه السلام] و ثقله و متاعه، [و] الورس و الحلل و الابل فانتهبوها، [و] إن كانت المرأة تنازع ثوبها عن ظهرها حتى تغلب عليه فيذهب به منها؛ مردم بر زنان حسین [علیه السلام] و اموال و اجناسش روی آوردند، ورس^۱ و لباس‌های فاخر و شترهایشان را به غارت بردند، بر سر پیراهن زنان کشمکش می‌شد تا اینکه زنان مغلوب می‌شدند و پیراهنشان برده می‌شد».

مقتل نویسان به صراحت موضوع غارت چادر و مقنعه زنان را مطرح کرده‌اند: ابن طاووس (۱۳۴۸: ۱۳۱) در مقتل اللهوف می‌گوید: «و تَسَابَقَ الْقَوْمُ عَلَى نَهَبِ بِيُوتِ آلِ الرَّسُولِ وَ فُرَّةِ عَيْنِ الْبَتُولِ حَتَّى جَعَلُوا يَنْتَزِعُونَ مَلْحَفَةَ الْمَرْأَةِ عَلَى ظَهْرِهَا وَ خَرَجَ بَنَاتُ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ حَرِيمُهُ يَتَسَاعَدْنَ عَلَى الْبُكَاءِ وَ يَنْدُبْنَ لِفِرَاقِ الْحَمَامَةِ وَ الْأَجْبَاءِ؛ دشمنان برای غارت خانه‌های آل الرسول و نور چشم زهراء بتول از يك ديگر پيشی گرفته به چپاول پرداختند تا آنجا که از دوش زن، پارچه و ملحفه را کنده و دختران رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حریم او بیرون شده گریه سر داده برای فراق حامیان، و عزیزان ندبه و نوحه می‌نمودند».

ابن نما حلی (۱۴۰۶: ۷۶) در کتاب مثير الأحران آورده است: «ثُمَّ اشْتَعَلُوا بِنَهَبِ عِيَالِ الْحُسَيْنِ وَ نِسَائِهِ حَتَّى تُسَلَبَ الْمَرْأَةُ مِقْنَعَتُهَا مِنْ رَأْسِهَا أَوْ خَاتَمُهَا مِنْ إِصْبَعِهَا أَوْ فُرْطُهَا مِنْ أُذُنِهَا وَ حَجَلُهَا مِنْ رِجْلِهَا. وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ سِنْسِيسٍ إِلَى ابْنَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ انْتَزَعَ مَلْحَفَتَهَا

۱. در مورد واژه الورس، فیومی (۱۴۱۴: ۶۵۵/۲) در المصباح المنیر می‌گوید: گیاه زرد رنگی است که در یمن می‌روید و با آن رنگ می‌کنند. طریحی (۱۳۷۵: ۱۲۱/۴) نیز در مجمع البحرین آورده است: رنگی است که از آن سرخی صورت به دست می‌آید و گیاهی مانند کنجد است که فقط در یمن یافت و کشت می‌شود و شبیه پودر زعفران است. بنابراین گیاهی مانند کنجد زرد رنگ است که از آن برای زرد کردن استفاده می‌شود و از آن زعفران پدید می‌آید.

مِنْ رَأْسِهَا وَبَقِيْنَ عَرَابًا تُرَاوِجُهُنَّ رِيَّاحُ النَّوَائِبِ وَتَعَبْتُ بِهِنَّ أَكُفَّ فَدَّ غَشِيَهُنَّ الْقُدْرُ النَّازِلُ وَ سَاوَرَهُنَّ الْحَطْبُ الْهَائِلُ؛ و آن گاه غارتگران اموی به غارت سرا پرده حسین و خاندان و کودکانش پرداختند و در این راه به چنان شقاوت و شرارتی دست یازیدند که از روسری و مقنعه بانوان، انگشتر و گوشواره زنان، و دستبند و پابند دختران خردسال نیز نگذشتند و آنها را با وقاحت و سنگدلی بهت آوری از سر، انگشت، گوش و دست و پای آن آزاده‌های آواره بیرون کشیدند و به نام نامی و موقعیت گرامی دین و خلافت و ولایت خود ساخته اموی به غارت بردند. کار شرارت و غارت سرا پرده حسین علیه السلام و کودکان بی دفاع آن حضرت به آنجا رسید که مرد نمایی از قبیله «سنبس» به یکی از دختران خردسال حرم اهل بیت هجوم برد و چادر او را از سرش کشید و به غارت برد و بدین صورت آنان را بدون روپوش و مقنعه و چادر گذاشتند...».

پاسخ به شبهه در مورد حجاب زنان اسراء

برخی تصور می‌کنند که غارت لباس زنان به معنای بی حجاب شدن زنان است در حالی که این تصور درست نیست. زیرا حضرت زینب علیها السلام و ام‌کلثوم علیها السلام و سایر زنان علاوه بر رعایت حدود شرعی حجاب، صورت خود را می‌پوشاندند یعنی به چادر اکتفاء نمی‌کردند و از پیراهن و شلوار و ملحفه‌هایی استفاده می‌کردند. به طور مثال وقتی اسراء وارد کوفه شدند، زنی از کوفیان بر اسیران اشراف یافته و گفت: شما از اسیران کجائید؟ زنان گفتند: «نَحْنُ أُسَارَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَزَلَّتِ الْمَرْأَةُ مِنْ سَطْحِهَا فَجَمَعَتْ لَهَا مَلَأَ وَ أُزْرًا وَ مَقَانِعَ وَ أَعْطَتْهُنَّ فَتَعَطَّيْنُ؛ ما اسیران از آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم. آن زن از بام فرود آمده و ملاحف و شلوارها و مقنعه‌هایی فراهم آورده به اسراء داد تا خود را بپوشانند» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۴۴).

بنابر نقل مقتل نویسان مطلبی که دال بر برهنه بودن زنان اهل بیت علیهم السلام باشد، بیان نشده است. ابن طاووس (۱۳۴۸: ۱۴۳) در مورد وقایع بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و حرکت اهل بیت علیهم السلام به سمت کوفه می‌گوید: عمر بن سعد آن روز و فردایش را تا وقت ظهر در کربلا توقف کرد، بعد با بازماندگان خاندان حسین علیه السلام از کربلا حرکت کرد در حالی که وضع ظاهری زنان اینگونه بود: «حَمَلَ نِسَاءَهُ صَ عَلَى أَحْلَاسِ أَقْتَابِ الْجِمَالِ

بَعِيرٍ وَطَاءٍ مُكْشَفَاتِ الْوُجُوهِ بَيْنَ الْأَعْدَاءِ وَ هُنَّ وَدَائِعُ الْأَنْبِيَاءِ وَ سَاقُوهُنَّ كَمَا يُسَاقُ سَبْيُ التُّرْكِ وَ الرُّومِ فِي أَشَدِّ الْمَصَائِبِ وَ الْهُمُومِ؛ اهل بیت را که سپرده‌های خیر الانبیاء بودند بر پلاس پالان‌های شتران در حالی که پوشش چهره‌های آنان مکشّفه بود بین دشمنان برنشانند، و آنان را آن چنان که اسرار ترک و روم رانده می‌شدند با آن همه زنج و مصائب همی رانندند». و یا صدوق (۱۳۷۶: ۱۶۶) ورود اسراء را به شهر شام چنین بیان کرده است: «فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أُدْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَ السَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكْشَفَاتِ الْوُجُوهِ فَقَالَ أَهْلُ الشَّامِ الْجُفَاءُ مَا رَأَيْنَا سَبَايَا أَحْسَنَ مِنْ هَؤُلَاءِ فَمَنْ أَنْتُمْ فَقَالَتْ سَكِينَةُ ابْنَةُ الْحُسَيْنِ نَحْنُ سَبَايَا آلِ مُحَمَّدٍ فَأَقِيمُوا عَلَيَّ دَرَجَ الْمَسْجِدِ حَيْثُ يُقَامُ السَّبَايَا؛ چون به شام رسیدیم روز روشن زنان و اسیران را روی باز وارد کردند و اهل شام می‌گفتند ما اسیرانی بدین زیبایی ندیدیم شما چه کسی هستید؟ سکینه دختر حسین فرمود ما اسیران خاندان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم. آنها را بر پلکان مسجد که توقفگاه اسیران بود بازداشتند».

بنابراین زنان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام هیچ وقت برهنه نشدند بلکه پارچه و یا چادر رویین یا نقاب از صورت زنان برداشته شده بود. بدین جهت است که ایشان در کلام خود از برهنگی و یا بیرون بودن موهایشان شکایت و گله‌ای نکردند. چنانکه وقتی اسراء وارد مجلس یزید شدند، در مورد ورود حضرت سکینه گفته شده است: «تستر وجهها بزندها لأنّها لم تكن عندها خرقة تستر بها وجهها؛ صورت خود را با آستین پوشانده بود چون پارچه‌ای نداشت که با آن صورت را بپوشاند» (تاریخ امام حسین (ع)، ۱۳۷۸: ۴۹۳/۶). در حالی که اگر سر ایشان برهنه بود، ضرورت داشت که دست بر روی سر بگذارد و یا سرش را با چیزی بپوشاند نه اینکه با آستین صورت را بپوشاند.

حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام نیز در خطبه‌ای در مجلس یزید از حجاب دفاع کرد و آنان را به خاطر هتک حرمت مورد سرزنش قرار داد و فرمود: «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطَّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَ إِمَاءَكَ وَ سَوْفَكَ بِنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكَتِ سُتُورَهُنَّ وَ أَبَدَيْتِ وَجُوهُهُنَّ تَخْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ تَسْتَشْرِفُهُنَّ الْمَنَاقِلُ وَ يَتَبَرَّزْنَ لِأَهْلِ الْمَنَاهِلِ وَ يَتَصَفَّحْنَ وَجُوهُهُنَّ الْقَرِيبَ وَ الْبَعِيدَ وَ الْعَائِبَ وَ الشَّهِيدَ وَ الشَّرِيفَ وَ الْوَضِيعَ وَ الدَّنِيئَ وَ الرَّفِيعَ لَيْسَ مَعَهُنَّ مِنْ رِجَالِهِنَّ وَلِيُّيٌ وَ لَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِيٌّ عُمُوًّا مِنْكَ عَلَى اللَّهِ وَ جُحُودًا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ

دَفْعاً لِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...؛ ای پسر آن مردمی که جدّ من اسیرشان کرد پس از آن آزاد فرمود! از عدل است که تو زنان و کنیزان خود در پشت پرده نشانی و دختران رسول خدا را اسیر بدین سوی و آن سوی کشانی، پرده آنان را بدری؛ روی آنان را بگشایی، دشمنان آنان را از شهری به شهری برند و بومی و غریب چشم بدانها دوزند و نزدیک و دور، وضیع و شریف چهره آنان را می نگرند از مردان آنان نه پرستاری مانده است نه یآوری نه نگهداری و نه مددکاری، اینها همه از گستاخی تو بر خدا و انکار بر رسول خدا و ردّ بر قرآن است» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۰۸/۲) این خطبه با اندکی تفاوت در کتاب‌های بلاغات النساء (ابن ابی طاهر، بی تا: ۳۵)، اللهوف (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۸۲) و بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۴/۴۵) نقل شده است.

۳. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از جلوه‌های پایبندی به اصول و ارزش‌ها در مدرسه حسینی، امر به معروف و نهی از منکر در همه شرایط است. این فریضه الهی (آل عمران/۱۱۰) موجب قوام شریعت و اقامه حدود الهی است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۷۹). امام حسین علیه السلام در مورد اهمیت آن فرموده است: «إِذَا أُدِّيَتْ وَأُقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيَّئُهَا وَصَعْبُهَا؛ اگر این وظیفه انجام گیرد و اجرا شود وظایف دیگر چه سخت یا آسان روبراه گردد و انجام خواهد شد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۳۷).

با مطالعه عصر سیاسی امام حسین علیه السلام روشن می‌شود، جامعه دچار لغزش شده و مردم نسبت به دین اسلام بی تفاوت و فردی مانند یزید بر جامعه حاکم شده که امام علیه السلام کلمه استرجاع را بر زبان جاری کرد (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۲۴) لذا هدف و انگیزه اصلی امام علیه السلام بر اساس دو اصل مهم «اصلاح بنیادین» و «احیای فریضه فراموش شده» پایه گذاری شد: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي صَ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲۱/۵؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۱۶۰/۲) امام حسین علیه السلام به صراحت فرمود، من از سر شادی و سرمستی و تباهکاری و ستمگری قیام نکردم، بلکه برای اصلاح در امت جدم به پا خاستم و اکنون می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر

کنم». برای این منظور نیاز به یک الگوی حکومتی است بدین جهت روش پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام را برگزید و *أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام* (همان).

امام حسین علیه السلام برای انجام اصلاحات ضرورت دید شاکله حکومت اسلامی را بنیان گذاری کند و جامعه را از سستی و رخوت خارج نماید، جامعه ای که در آن اثری از معروف نیست و مردم به منکر روی آورده اند، مؤید مطلب شناخت مسلم بن عقیل از وضعیت اجتماعی شهر کوفه است. وقتی عبیدالله بن زیاد، مسلم را به فتنه انگیزی متهم کرد، مسلم در جوابش فرمود: *«أَظْهَرْتُمُ الْمُنْكَرَ وَدَفَنْتُمُ الْمَعْرُوفَ وَتَأَمَّرْتُمْ عَلَيَّ النَّاسِ بِغَيْرِ رِضَى مِنْهُمْ وَحَمَلْتُمُوهُمْ عَلَيَّ غَيْرِ مَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ بِهِ وَعَمِلْتُمْ فِيهِمْ بِأَعْمَالِ كِشْرَى وَفَيْصَرَ فَأَتَيْنَاهُمْ لِنَأْمُرَ فِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَنَدَعُوهُمْ إِلَى حُكْمِ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَكُنَّا أَهْلَ ذَلِكَ؛* این شمايید که منکرات را آشکار و معروف و خوبی ها را دفن و بدون رضایت مردم خود را برگردن ایشان سوار کرده اید، و مردم را بر خلاف فرمان خدا کشانیده، چون قیصر و کسری بر مردم حکم می رانید. ما آمدیم تا امر به معروف و نهی از منکر نماییم و مردم را به کتاب و سنت فراخوانیم و آن گونه که پیامبر فرمود شایستگی این کار با ماست» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۵۷؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵۷/۵-۵۸).

انگیزه امام علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر که به هدایت جامعه و مسلمانان منجر می شد، فقط منحصر به قبل از نهضت نبود. وی از هر فرصتی حتی در لحظات سخت عاشورا برای امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرد. به گواه تاریخ برخی از لشکریان عمر بن سعد به برکت این فریضه الهی به امام حسین علیه السلام ملحق شدند. به طور مثال دو برادر به نام های سعد بن الحرث الأنصاری العجلانی و أبو الحتوف بن الحرث الأنصاری العجلانی، از اهالی کوفه همراه عمر بن سعد برای جنگ با امام حسین علیه السلام به کربلا آمده بودند. امام علیه السلام در روز عاشورا وقتی اصحاب و یارانش به شهادت رسیدند، با لشکریان صحبت کردند و از آنها یاری و کمک طلبیدند، این دو برادر متوجه خطای خود شدند و به امام علیه السلام ملحق شدند و در رکاب امام علیه السلام به شهادت رسیدند (سماوی، ۱۴۱۹: ۱۶۰). چنانکه همین فریضه باعث شد حر بن یزید ریاحی توبه کند و به امام حسین علیه السلام پیوندد (ابو مخنف، ۱۴۱۷: ۲۱۵).

امام حسین علیه السلام لحظات قبل از شهادت به دشمن نزدیک شد و خطاب به آنان فرمود: «یا ویلکم اَتَقْتُلُونِی عَلٰی سُنَّةِ بَدَلْتُمْهَا؟ اَمْ عَلٰی شَرِیْعَةٍ غَیْرَتُمْهَا، اَمْ عَلٰی جُرْمٍ فَعَلْتُمْهُ، اَمْ عَلٰی حَقِّی تَرَکْتُمْهُ؟ فَقَالُوا لَهُ: اِنَّا نَقْتُلُکَ بُغْضًا لِاَبِیْکَ؛ وای بر شما! چرا با من می جنگید؟ آیا سنتی را تغییر داده ام؟ یا شریعتی را دگرگون ساخته ام؟ یا جرمی مرتکب شده ام؟ و یا حقی را ترک کرده ام؟ در جواب گفتند: به خاطر کینه ای که از پدرت به دل داریم، با تو می جنگیم و تو را می کشیم» (قندوزی، ۱۴۲۲: ۸۰/۳).

امام علیه السلام وقتی متوجه شد به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد، در چنین شرایطی بر خود لازم دید قیام کند و با شهادت (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۵؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۷۹) و خون خود، امر به معروف و نهی از منکر را پی ریزی کرد که آثار و برکات این خون و فریضه الهی تا قیامت خواهد درخشید: «أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ من شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کردی و امر به معروف کرده و نهی از منکر را بجا آوردی» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۰۴/۹).

۴. دینداری و حمایت از امامت

یکی از جلوه های درس آموز و عبرت آمیز مدرسه حسینی، پایبندی به دین اسلام و التزام عملی به شریعت است. عصر اجتماعی امام حسین علیه السلام مردم به دلیل انحطاط از اخلاق، معنویت و دین به دنبال زندگی دنیوی بودند. امام علیه السلام در توصیف این افراد فرمود: «إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعُقٌّ عَلٰی أَلْسِنَتِهِمْ یَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُخَّصُّوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ؛ مردم بندگان دنیا هستند، دین لعابی است که تا زندگی روبراه است، به دور زبان می گردانند و چون دوران آزمایش رسد دینداران کمیاب شوند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۵).

دینداری در آخر الزمان مانند کسی است که در دست خود آتش بگیرد (شعیری، بی تا: ۲۳۰). امام حسین علیه السلام به ما آموخت که می توان در شرایط سخت زندگی صبور و بردبار بود و دین را حفظ کرد. مدرسه حسینی پر از صحنه های آزمایش است البته به

شرطی که از خدا استمداد و استعانت جُست (بقره/۴۵) و در تلاطم زندگی و روزگار سوار بر کشتی امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام شد. چنانکه دو روایت ذیل بیانگر آن است: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحٌ هُدًى وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٌ؛ هَمَانَا حُسَيْنٌ علیه السلام چراغ هدایتگر و کشتی نجات است» (صدوق، ۱۳۷۸: ۶۰/۱)؛ «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ مثل اهل بیت من چون کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شد نجات یافت و هر کس بر جای ماند هلاک شد» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۹۷/۱).

امام حسین علیه السلام سرانجام کار، مصیبت های بزرگ و دشواری ها را بیان کرده بود و همه می دانستند که زندگی و لحظات سختی را سپری خواهند کرد و به شهادت خواهند رسید اما دست از یاری و کمک دین نکشیدند و تا نفس آخر از امامت و ولایت دفاع کردند. دینداری و حمایت از امام حسین علیه السلام فقط مختص به اهل بیت علیهم السلام همچون حضرت علی اکبر علیه السلام، حضرت قاسم علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام نبود بلکه یاران و اصحاب با آگاهی و معرفت، پایبند به دین ماندند و به یاری دین و حمایت از امام علیه السلام شتافتند. در شب عاشورا جمعی از یاران به ایراد سخن پرداخته و به اجماع همگی گفتند: «و الله لا نفارقك، و لكن أنفسنا لك الفداء، نقيك بنحورنا و جباهنا و أيدينا، فاذا نحن قتلنا كنا و فينا و قضينا ما علينا؛ بخدا قسم از شما جدا نمی شویم، جان هایمان به فدایت، با گلوها و پیشانی ها و دست هایمان شما را حفظ می کنیم، اگر کشته شویم [به عهدمان] وفا کرده ایم و [تکلیفی که بر گردن داشته ایم] اداء نموده ایم» (ابو مخنف، ۱۴۱۷: ۱۹۹).

حمایت یاران و اصحاب از امام حسین علیه السلام

الف) زهیر بن قین: وی در کربلا همواره به یاری و کمک امام حسین علیه السلام می شتافت. وقتی که دوم محرم سال ۶۱ هجری کاروان امام حسین علیه السلام به کربلا رسید. امام علیه السلام در مورد بی دینی، بی بصیرتی و بی وفایی مردم سخن گفتند. برخی از یاران ایستادند و آمادگی خود را در یاری و حمایت از امام علیه السلام اعلام کردند. زهیر در تجدید بیعت با امام علیه السلام گفت: «قَدْ سَمِعْنَا هَذَاكَ اللَّهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَقَالَتَكَ وَ لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا لَنَا بَاقِيَةً وَ كُنَّا فِيهَا مُخَلَّدِينَ لَأَنْزَلْنَا التُّهُؤَصَ مَعَكَ عَلَى الْإِقَامَةِ؛ خداوند تو را رهبر و راهنما باشد. یا بن رسول

الله فرمایشات را شنیدیم اگر دنیا را برای ما بقایی بود و ما در آن زندگی جاوید داشتیم ما پایداری در یاری تو را بر زندگانی جاوید دنیا مقدم می‌داشتیم» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۷۹) و یا وقتی امام علیه السلام در شب عاشورا بیعت خود را از یاران برداشت و به آنها اجازه رفتن داد، یاران و اصحاب در حمایت از امام علیه السلام به ایراد سخن پرداختند. زهیر در پاسخ به سخن امام علیه السلام عرض کرد: «وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي قُتِلْتُ ثُمَّ نُشِرْتُ ثُمَّ قُتِلْتُ حَتَّى أُقْتَلَ هَكَذَا أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْفَعُ بِذَلِكَ الْقَتْلِ عَن نَفْسِكَ وَعَنْ أَنْفُسِ هَؤُلَاءِ الْفُتْيَانِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ؛ وَ اللَّهُ دَوْسْت دَاشْتَم كَشْتَم مِي شَدَم، سِپَس دُو بَا رَه زَنْدَه شَدَه بَعْد كَشْتَم مِي شَدَم، تَا جَا بِي كِه هِزَار بَار اِيْنَجِنِيْن كَشْتَم مِي شَدَم، تَا خَدَاوَنْد بَدِيْن وَسِيْلَه، كَشْتَم شَدَنْ رَا اَز شَمَا وَ جَوَانَان اَهْل بِيْت شَمَا دُور مِي گِرْدَانِيْد!» (ابو مخنف، ۱۴۱۷: ۱۹۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۹۲/۲).

ب) نافع بن هلال: همانطور که گفته شد روز دوم محرم بعد از سخن امام حسین علیه السلام اصحاب در تجدید بیعت و حمایت از امام علیه السلام به ایراد سخن پرداختند. نافع یکی از طولانی‌ترین خطبه‌ها را قرائت کرد و در فرازی از سخنان خود گفت: «فَوَاللَّهِ مَا أَشْفَقْنَا مِنْ قَدْرِ اللَّهِ، وَ لَا كَرِهْنَا لِقَاءَ رَبِّنَا، وَ إِنَّا عَلِي نِيَاتِنَا وَ بَصَائِرِنَا، نَوَالِي مِنْ وَالَاك، وَ نَعَادِي مِنْ عَادَاك؛ بَه خَدَا سُو گَنْد مَا اَز تَقْدِيْر خَدَاوَنْد بَا كِي نَدَارِيْم وَ اَز مَلَا قَات پُرُوْر دِگَار مَان هِيْج كِرَاهَتِي نَدَارِيْم. مَا بَر مَبْنَا ي نِيَات وَ بِيْنَش هَا ي خُود رَفْتَار مِي كَنِيْم. مَا هَر كِه شَمَا رَا دُوسْت دَارِد، دُوسْت مِي دَارِيْم وَ بَه اُو مِهْر مِي وَرْزِيْم وَ هَر كِه بَا شَمَا دَشْمَنِي كَنْد، دَشْمَن مِي دَارِيْم» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۲۵۱/۲). نافع در شب عاشورا امام حسین علیه السلام را دید که در حال سرکشی از تپه‌ها و بازدید میدانی است. میان امام علیه السلام و نافع سخنانی رد و بدل شد. امام علیه السلام در پایان سخنش به نافع فرمود: «أَلَا تَسْلُكُ بَيْنَ هَذَيْنِ الْجَبَلَيْنِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ، وَ تَنْجُو بِنَفْسِكَ؛ أَيَا نَمِي خُوَاهِي دَر اِيْن شَب تَار اَز بِيْن دُو كُوه بَگْذَرِي وَ جَان خُود ت رَا نَجَات دَهِي؟» نافع که جانش پر از عشق و محبت به امام حسین علیه السلام بود خود را به روی قدم‌های امام علیه السلام انداخت و بوسه زد و گفت: «إِنَّ سَيْفِي بِأَلْف، وَ فَرْسِي مِثْلَه، فَوَاللَّهِ الَّذِي مَنْ بَكَ عَلِي، لَا فَارَقْتِكَ حَتَّى يَكْلَأَ عَن فَرْي وَ جَرِي؛ شَمَشِيْرِم بَه هِزَار وَ اَسْبِم بَه هَمِيْن گُون مِي اَرْزِد، پَس بَه اَنْ خَدَا يِي كِه بَر مَن بَه حُضُور دَر رَكَاب شَمَا مَن ت نَهَاد، سُو گَنْد مِي خُورْم تَا هَنْگَامِي كِه شَمَشِيْرِم بَه كَار اِيْد اَز شَمَا جَدَا نَمِي شُوم» (تاریخ امام

حسین (ع)، ۱۳۷۸: ۱۷۱/۳.

ج) بریر بن خضیر: وی نیز مانند سایر شهدای کربلا در حمایت و تجدید بیعت با امام علیه السلام فرمود: «وَاللّٰهُ يَا اَبْنَ رَسُولِ اللّٰهِ لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ بِكَ عَلَيْنَا اَنْ نُّقَاتِلَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَقَطَعَ فَيْكَ اَعْضَاؤُنَا ثُمَّ يَكُوْنُ جُدُّكَ شَفِيْعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ ای پسر رسول الله، به خدا سوگند خدا بر ما منت نهاد تا توفیق یابیم همراه تو (در راه هدف) بجنگیم تا آنجا که اعضای ما تگه تگه گردیده و آنگاه در قیامت، جد تو شفیع ما باشد» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۸۰؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۲۵۱/۲). حتی روز عاشورا با اجازه امام حسین علیه السلام خطابه خواند و آنان را به خاطر رفتارشان با اهل بیت علیهم السلام مورد سرزنش و نکوهش قرار داد و در فراز گفت، آب فرات که نوشیدن آن بر حیوانات مباح است، چرا بر فرزند دختر پیامبر صلی الله علیه و آله منع شده؟ آیا مزد رسالت محمد صلی الله علیه و آله این است؟ (سماوی، ۱۴۱۹: ۱۲۳).

د) عابس بن ابی شیبب شاکری: عابس هنگام ورود به میدان نبرد، در برابر امام علیه السلام ایستاد و گفت: «اما و الله ما امسى على ظهر الارض قريب ولا بعيد اعز على ولا أحب الى منك، ولو قدرت على ان ادفع عنك الضيم والقتل بشيء اعز على من نفسى ودمى لفعلته، السلام عليك يا ابا عبد الله، اشهد الله انى على هديك وهدى ابيك؛ به خدا سوگند بر روی زمین چه نزدیک چه دور، کسی نزد من عزیزتر و محبوبتر از تو نیست. اگر می توانستم با چیزی عزیزتر از جان و خونم، کشته شدن و ظلم را از شما دور کنم چنین می کردم؛ سلام بر تو ای ابا عبد الله! گواه باش که من بر طریقه تو و پدرت می باشم» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۴/۵).

شهدای کربلا در پایبندی به دین، اصول و ارزش های اسلامی و حمایت از امامت و ولایت بهترین الگو هستند. آنهایی که در راه احیای حق و دین کوتاهی نکردند و با خون خود اسلام را زنده نگه داشتند و جاودانه شدند چنانکه مسلم بن عوسجه اَسدی گفت: «اگر ما شما را رها کنیم در مورد اداء حق شما چه عذری پیش خدا بیاوریم؟ قسم بخدا! اگر نیزه ام در سینه شان بشکنند و با شمشیرم آن قدر آنها را بزنم که دسته شمشیر از دستم رها شود، از شما جدا نخواهم شد» (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۱۹۸).



۵. رعایت حق الناس

یکی از اصول و ارزش‌هایی که امام حسین علیه السلام به همگان آموخت، توجه به رعایت حق الناس است. امام علیه السلام به حق مردم اهتمام ویژه‌ای داشتند و التزام به آن را به دیگران مخصوصاً یاران باوفایش توصیه می‌کرد. چنانکه موسی بن عمیر از پدر خویش نقل کرده که امام علیه السلام فرمود: «ناد أن لا یقتل معی رجل علیه دین و ناد بها فی الموالی فانی سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: من مات و علیه دین أخذ من حسناته یوم القیامه؛ میان همه یارانم اعلام کن، هر کس دینی بر عهده دارد با من کشته نشود؛ زیرا که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: هر کس از دنیا برود و دینی بر ذمه داشته باشد، از حسنات وی در فردای قیامت برداشته می‌شود» (شوشتری، ۱۴۰۹: ۴۲۹/۱۹). این کلام به گونه دیگر از این راوی نقل شده که امام حسین علیه السلام دستور دادند: «ناد فی الناس ان لا یقاتلن معی رجل علیه دین فانه لیس من رجل یموت و علیه دین لا یدع له وفاء الا دخل النار؛ بین مردم ندا کن کسی که بدهی دارد نباید با من به پیکار آید، که هر که با بدهی بمیرد و برای پرداخت آن نیندیشیده باشد در آتش درآید» (شوشتری، ۱۴۰۹: ۴۳۰/۱۹).

بعد از اتمام کلام امام علیه السلام یک نفر از اصحاب برخاست کرد و گفت: همسر من از جانب من می‌پردازد. امام علیه السلام به اینکه دیگران به وکالت پردازند نیز راضی نبود و معتقد بود افراد باید یقین به انجام پرداخت حق مردم داشته باشند، لذا فرمود: «ما کفاله امرأه و هل تقضی امرأه؛ کفالت زن چه ارزش و فایده‌ای دارد؟ آیا زن می‌تواند پردازد؟» (شوشتری، ۱۴۰۹: ۴۳۰/۱۹).

در اهمیت موضوع حق الناس همین بس که يك نفر از اصحاب نزد امام حسین علیه السلام آمد و عرض کرد: من بدهی دارم، چه کنم؟ امام علیه السلام فرمود: هر که بدهی دارد با من به پیکار نیاید (مؤیدی، ۱۳۸۲: ۴۶۸). در تاریخ ثبت شده، افرادی بودند به بهانه قرض داشتن و سرکشی به خانواده، توفیق حضور در حماسه عاشورا نیافتند. ضحاک بن عبد الله مشرقی می‌گوید، من و مالک بن نضر ارحبی پیش امام حسین علیه السلام رفتیم و به او سلام گفتیم، آنگاه پیش وی نشستیم سلام ما را جواب داد و خوش آمد گفت و پرسید که برای چه آمده‌ایم؟ گفتیم: آمده‌ایم به تو سلام گوئیم و از خدا برای تو سلامتی بخواهیم و دیدار

تازه کنیم. اینها به جنگ اتفاق دارند کار خویش را بنگر. امام علیه السلام فرمود: «حسبی الله و نعم الوکیل؛ خدا مرا بس است که بهترین تکیه‌گاه است». در ادامه امام علیه السلام فرمود: «فما یمنعکما من نصرتی؟! چرا مرا یاری نمی‌کنید؟» مالک بن نضر گفت: قرض و خانواده دارم. من نیز گفتیم: قرض و خانواده دارم. سپس از امام علیه السلام اجازه گرفتیم و رفتیم (طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۸/۵).

در سیره امام علیه السلام و مدرسه حسینی، نباید نسبت به حق الناس بی تفاوت بود بدین جهت حتی امام علیه السلام دیگران را از ضایع ساختن حقوق مردم برحذر می‌داشت و اگر کسی توانایی ادای دین نداشت، خود متکفل پرداخت و ادای آن می‌شد. در کتاب مناقب آل ابی طالب علیهم السلام نقل شده، روزی امام حسین علیه السلام به خانه اسامه بن زید که ناخوش و مریض بود، رفت. حضرت او را اندوهناک دید. دلیل و سبب اندوه و ناراحتی اش را پرسید؟ اسامه گفت، شصت هزار درهم قرض برعهده من است. حضرت فرمود: قرض تو را من ادا می‌کنم. دوباره اسامه عرض کرد: می‌ترسم بمیرم. حضرت فرمود: «لَنْ تَمُوتَ حَتَّى أَقْضِيَهَا عَنْكَ قَالَ فَقَضَاهَا قَبْلَ مَوْتِهِ؛ نمی‌میری تا قرض را ادا کنم!، پس قرض اسامه را که شصت هزار درهم بود پیش از وفات او ادا کرد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶۵/۴).

مسلم بن عقیل که تربیت یافته مکتب حسینی است حتی در لحظه آخر عمر خویش به این نکته توجه داشت. وقتی مسلم دستگیر شد در مجلس عبیدالله بن زیاد به حاضرین در جلسه نگاهی کرد و به عمر بن سعد گفت، بین من و تو یک قرابتی وجود دارد، می‌خواهم به تو وصیت کنم. عمر بن سعد ابتدا از شنیدن و عمل به وصیت مسلم امتناع کرد. اما به دستور ابن زیاد، مسلم وصیت خود را به عمر کرد. در بندی از وصیت فرمود: «إِنَّ عَلِيَّ بِالْكَوْفَةِ (دینا) سبعمائه درهم (أخذته)...؛ در کوفه من هفتصد درهم دین بر ذمه دارم (بلاذری، ۱۴۱۷: ۸۱/۲) شمشیر و زره من را بفروش و قرض من را پرداخت کن» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۸۱/۲؛ محمودی، ۱۴۱۷: ۳۳۳).

۶. کسب رزق حلال

یکی از عبرت‌های عاشورا را می‌توان توصیه در کسب رزق حلال دانست که همواره انسان باید به اصول و ارزش‌های اقتصادی پایبند باشد و از مال حرام باید اجتناب و

پرهیز کند. در آموزه‌های دینی کسب رزق و روزی حلال بر همه واجب (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۸۶) و با فضیلت‌ترین عبادت است (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۴۲/۹). در کلام خدا نیز که می‌فرماید: «وَلَكِنْ لَا تُوعِدُوهُمْ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ولی با آنان در پنهانی و خلوت قرارداد ازدواج نگذارید، جز آنکه گفتاری پسندیده [و بدون صراحت و وضوح] بگویید» (بقره/۲۳۵)، منظور طلب مال حلال است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۲۲/۱).

در زندگی اقتصادی-الهی امام حسین علیه السلام مطالب و نکته‌های عبرت‌آموز بسیاری وجود دارد که بر طالب علم و حقیقت‌واجب است آنها را بیاموزد و بدان عمل کند. معاویه تلاش خود را به کار بست تا از ضعف اقتصادی افراد بهره‌ای ببرد. او با گماردن جاسوسان فراوانی قصد داشت تا از جزئیات زندگی خصوصی امام حسین علیه السلام آگاه شود. در گزارش جاسوسان متوجه شد امام حسین علیه السلام به خاطر بخشندگی و سخاوت فراوان، زیر بار قرض رفته است (شاوی، ۱۳۸۶: ۲۳۲/۱). معاویه فرصت را غنیمت شمرد و به آن حضرت نامه نوشت؛ قصد دارد چاه «أَبُونِيزَر» را که امیرالمؤمنین علیه السلام با دست خودش حفر کرده و بر مستمندان مدینه و در راه ماندگان وقف کرده بود، از او بخرد و آن نامه را با دوهزار دینار فرستاد. امام حسین علیه السلام از فروش آن سرباز زد و فرمود: پدرم آن را صدقه داد تا خداوند او را به خاطر آن از آتش دوزخ حفظ کند و من به هیچ قیمتی آن را نمی‌فروشم (نک. ابن حجر، ۱۴۱۵: ۳۴۳/۷؛ حموی، ۱۹۹۵: ۱۷۶/۴).

نقش مال حرام در شهادت امام علیه السلام

رزق حرام موجب قساوت و تیره شدن قلب می‌شود که نتیجه آن عدم پذیرش پند و اندرز است. امام حسین علیه السلام در کربلا از فرصت‌های مختلف برای امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرد اما سخنانش برای بسیاری از افراد قابل قبول نبود زیرا شکم‌های آنان از مال حرام پر شده بود. امام حسین علیه السلام فرمود: «وَيَلِكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تُنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْتَدِينَ وَمَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَكُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيَلِكُمْ أَلَّا تُنْصِتُونَ؛ وای بر شما! چه باعث شده است که ساکت نمی‌شوید و گوش به سخن من نمی‌دهید تا سخن مرا بشنوید؟ به درستی من شما را به

جز راه راست و رستگاری هدایت و دعوت نمی‌کنم، پس هر کس مرا اطاعت کند از رستگاران و هدایت یافته‌گان می‌گردد و هر کس امر مرا عصیان و مخالفت نماید، از هلاک شدگان و گمراهان می‌باشد، همه شما به امر من مخالفت می‌کنید و قول مرا گوش نمی‌دهید، به تحقیق شکم‌ها و بطون شما از غذاهای حرام پر شده‌است و قلوب شما را به مهر شقاوت و ضلالت مهر زده‌اند، وای بر شما! آیا هیچ انصاف نمی‌کنید؟ آیا به سخن من گوش نمی‌دهید؟» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۸).

تزریق مال حرام از زمان عبیدالله بن زیاد شروع شد. کوفیان با مال حرام و تزریق پول حرام آلوده شدند. اینان در ابتدا مسلم بن عقیل را تنها گذاشتند و او را به سمت شهادت سوق دادند. ابو مخنف (۱۴۱۷: ۱۲۴-۱۲۵) در کتاب وقعه‌الطف، نقش مال حرام در میان اشراف و بزرگان کوفه و تزریق آن به مردم کوفه را اینگونه توصیف کرده است: «اشراف مردم نزد ابن زیاد آمدند، عبیدالله بن زیاد، کثیر بن شهاب بن حصین حارثی را خواست، به او دستور داد با یاران مذحجی به کوفه برود و مردم را وادار به جدایی از مسلم بن عقیل کند، ... به شیبث بن ربیع گفت: میان مردم بروید و افراد مطیع را به افزوده شدن [عطا و حقوق] و ارزش و احترامشان نوید بدهید، و افراد عاصی [و سرکش] را از محرومیت و مجازات بترسانید، و به آنها اعلام کنید لشکریان شام به سویشان به راه افتاده‌اند. کثیر بن شهاب شروع به سخن کرد و گفت: ای مردم به خانواده‌هایتان ملحق شوید در برپایی شر شتاب نکنید و خودتان را به کشتن ندهید، هان این‌ها لشکریان امیرالمؤمنین یزید هستند که به طرف [کوفه] می‌آیند. امیر با خدا عهد بست چنانچه بر جنگ با او باقی ماندید و تا غروب برنگشتید، زن و بچه‌تان را از عطا محروم کند.

مال حرام باعث شد اهل کوفه به جنگ با امام حسین علیه السلام بروند. مجتبع بن عبد الله العائذی توانست از کوفه خارج و به امام حسین علیه السلام ملحق شود. وی در مورد وضعیت کوفه به امام علیه السلام چنین گزارش داد: «أما أشراف الناس فقد اعظمت رشوتهم و ملئت غرائرهم، يستمال ودهم و يستخلص به نصيحتهم، فهم ألب واحد عليك! و أما سائر الناس بعد فان أفئدتهم تهوى إليك و سيوفهم غدا مشهورة عليك!؛ به اشراف مردم رشوه کلانی داده شده و کیسه‌هایشان پر گردیده تا دلشان بدست آید، و کاملاً خیر خواه و

دلداده آنها شوند، و لذا آنها بر علیه شما يك دست شده‌اند اما بقیه مردم دل‌هایشان به سوی شما تمایل دارد ولی شمشیرهایشان فردا بر علیه شما برهنه خواهد گردید» (ابو مخنف، ۱۴۱۷: ۱۷۴).

نتیجه

پژوهش حاضر به بیان جلوه‌هایی از پایبندی به اصول و ارزش‌های برآمده از مدرسه حسینی پرداخته است. نتیجه حاصل از پژوهش مشخص کرد که سختی و مشکلات دلیلی برای رفع تکلیف و انجام ندادن احکام شرعی و وظایف دینی نیست بلکه در هر حال باید به دین و شریعت پایبند بود. چنانکه در قرآن کریم آمده است: «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ؛ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن» (هود/۱۱۲). در این پژوهش به موارد کاربردی پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی که امام حسین علیه السلام بدان ملتزم بودند، اشاره شد: نماز تکلیف شرعی است که در هیچ حالتی ترک نمی‌شود حتی در احکام اسلامی نماز غریق (مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۵) و نماز مضطر (ابن براج، ۱۴۰۶: ۱۱۰/۱) وارد شده است. چنانکه امام حسین علیه السلام نیز با دادن شهید؛ نماز ظهر را اقامه کرد؛ حجاب یک وظیفه دینی و شرعی برای بانوان است که ایشان با آن مشکلات و مصیبت‌ها، حجاب را در رأس برنامه‌های خود قرار دادند. در عصر حاضر حجاب مصداق بارز پایبندی به ارزش‌های اسلامی است؛ امر به معروف و نهی از منکر فریضه فراموش شده‌ای است که امام حسین علیه السلام با خون و شهادت خود ضرورت آن را بر همگان روشن و ثابت کرد. امام حسین علیه السلام آموخت که می‌توان دیندار بود و با استعانت از خدا و توسل به اهل بیت علیهم السلام می‌توان در تلاطم زندگی و روزگار موفق شد؛ رعایت حق الناس و کسب رزق و روزی حلال نباید مورد غفلت قرار گیرد زیرا مال حرام موجب عدم پذیرش حق می‌شود.

منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی طاهر، احمد (بی‌تا)، بلاغات النساء، چاپ اول، قم، الشریف الرضی.
- ابن اعثم الکوفی، أبو محمد أحمد (۱۴۱۱)، الفتوح، تحقیق علی شیری، چاپ اول،

- بیروت، دارالأضواء.
- ابن براج طرابلسی، قاضی، عبد العزیز (۱۴۰۶)، المهذب، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵)، الإصابة فی تمييز الصحابة، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹)، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، چاپ اول، قم، علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸)، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه احمد فهري، چاپ اول، تهران، جهان.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶)، مثير الأحران، چاپ سوم، قم، مدرسه امام مهدی.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۴۱۷)، وقعة الطف، چاپ سوم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله (۱۴۱۳)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد)، چاپ اول، قم، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷)، جمل من انساب الأشراف، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
- تاریخ امام حسین علیه السلام = موسوعة الإمام الحسين علیه السلام (۱۳۷۸)، گروهی از نویسندگان، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- حسینی موسوی، محمد بن أبی طالب (۱۴۱۸)، تسلیة المُجالس و زینة المَجالس (مقتل الحسين علیه السلام)، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- حموی، شهاب الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵)؛ معجم البلدان، بیروت، دار

- صادر.
- حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳)، قرب الإسناد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
 - رحمانی همدانی، احمد (۱۳۷۸)، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم، چاپ سوم، تهران، منیر.
 - سماوی، محمد بن طاهر (۱۴۱۹)، إِبْصَارُ الْعَيْنِ فِي أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، چاپ اول، قم، دانشگاه شهید محلاتی.
 - شاولی، علی (۱۳۸۶)، با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، قم، زمزم هدایت.
 - شبر، جواد (۱۴۰۹)، ادب الطف أو شعراء الحسين عليه السلام، چاپ اول، بیروت، دار المرتضی.
 - شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الأخبار، چاپ اول، نجف، مطبعة حیدریه.
 - شوشتری، سید قاضی نور الله مرعشی (۱۴۰۹)، إِحْقَاقُ الْحَقِّ وَإِزْهَاقُ الْبَاطِلِ، چاپ اول، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
 - صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الأمالی، چاپ ششم، تهران، کتابچی.
 - _____ (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، تهران، نشر جهان.
 - صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
 - طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، چاپ اول، مشهد، نشر مرتضی.
 - طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الأمم و الملوک، چاپ دوم، بیروت، دار التراث.
 - طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
 - طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴)، الأمالی، چاپ اول، قم، دار الثقافة.
 - عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران، المطبعة العلمية.
 - فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، چاپ

- دوم، قم، مؤسسه دار الهجرة.
- قندوزى، سليمان بن ابراهيم (١٤٢٢)، ينابيع المودة لذو القربى، چاپ دوم، قم، اسوه.
- كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق (١٤٢٩)، الكافى، چاپ اول، قم، دار الحديث.
- ليثى واسطى، على بن محمد (١٣٧٦)، عيون الحكم و المواعظ، چاپ اول، قم، دار الحديث.
- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى (١٤٠٣)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- محمودى، محمد باقر (١٤١٧)، عبرات المصطفين فى مقتل الحسين عليه السلام، المأخوذ من أقدم المصادر التاريخية الإسلامية، قم، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣)، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، چاپ اول، قم، كنگره شيخ مفيد.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى (١٤١٣)، المقنعة، چاپ اول، قم، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد.
- مكارم شيرازى، ناصر (١٣٨٤)، عاشورا؛ ريشه ها، انگيزه ها، رويداها، پیامدها، تحقيق سعيد داودى و مهدى رستم نژاد، چاپ دوم، قم، مدرسه الامام على ابن ابى طالب عليه السلام.
- مؤيدى، على (١٣٨٢)، فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، چاپ دوم، تهران، اميركبير.

